آفرین امامی، مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان:

کودک و نوجوانی که امروز به موزه نرود فردا حافظ میراث فرهنگی کشور نخواهد شد

آفرین امامی، موزه‌دار، کارشناس ارشد پژوهش هنر، مدرس دانشگاه و اکنون مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان است. او در صفحه مجازی خود نوشته است: «تا بتوانم از آن ملتی است که گذشته خود را خوب می‌شناسد.» موزه‌ها بهترین محل برای انتقال و نمایش فرهنگ و هنر کشور است و همین گزاره مهم، بهانه گفت‌وگوی ما با امامی شد که به رغم مشغله‌های بسیار مشتاقانه از سوژه حمایت کرد و سؤالات را یک‌به‌یک پاسخ داد. به اعتقاد وی جذب مخاطب کودک و دعوت از نسل جوان تر تضمینی برای آگاهی و احترام مردمان آن کشور در کهنسالی به میراث خود خواهد شد و کودک و نوجوانی که امروز به موزه نرود، فردا حافظ میراث فرهنگی کشور نخواهد بود.

عدم‌شناخت نسل جدید با میراث ایرانی اعم از ملموس و ناملموس چه لطمه‌هایی به آینده فرهنگی کشور می‌زند؟

عدم‌شناخت نسل جدید از میراث فرهنگی موجب می‌شود در آینده هیچ گونه تعهد و تعلق خاطری به حفظ و حراست و پاسداری کشور نداشته باشند و در حقیقت مانند درختی خواهند شد که ریشه در خاک ندارند. این موضوع لطمه جبران‌ناپذیری به تمام دانشگاه‌های کشور اعم از علم و هنر و صنعت وارد می‌کند. از طرفی عدم‌شناخت نسل جدید از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس به عنوان پشتوانه فرهنگی و هویت ملی وبه تبع آن نداشتن عرق ملی موجب تعامل به جذابیت‌های غیرایرانی و نتیجه‌اش تمایل بیشتر مهاجرت آیندسازان کشور به خارج خواهد بود. افتخار کردن به سبقه ارزشی، تمدن و فرهنگ غنی علاوه بر حس افتخار و بالا رفتن اعتمادبه‌نفس نسل جوان در حفظ و حراست از دانشنها و ساختن آینده بهتر کشور اثرگذار است.

دلیل عدم آشنایی خانواده‌ها و به ویژه نسل کودک و نوجوان و جوان با موارث فرهنگی ایران چیست؟ چرا خانواده‌ها استانبول و آنتالیا، برج ایفل و شانزلیزه و ویکتورهوگو و دانوبنچی را بیشتر از شوش، چغازنبیل، عمولاجان و حافظ و کمال‌الملک می‌شناسند؟

عدم‌انتشار، بازگویی، بازخوانی، تشریح و تبیین جذابیت‌های موارث فرهنگی برای همواهل‌ها و ایجاد فضای غیرفعال و خشک و خسته‌کننده، عدم‌معرفی درست و تأثیرگذار، عدم‌ایجاد و ثبت خاطره در این محوله‌ها و سایت‌های تاریخی موجب می‌شود مردم رغبتی به حضور و بازدید از بناها و سایت‌های تاریخی کشور نشان ندهند. مطمئناً اگر ارزش‌ها و روایت‌های مستتر در اینبه و موزه‌ها اشبابه درستی و روش مناسب بیان شود، موجب گرایش مردم به آنها می‌شود. در واقع روایت‌محورشدن میراث فرهنگی به جای تمرکز بر معرفی تکالید اماکن اینبه و اشیای تاریخی می‌تواند قطعاً را برای مخاطب جذاب کند. همچنین سیاست‌ها و نوع دیدگاه دولت‌ها به مقوله میراث فرهنگی بسیار مهم است. نبودن میراث فرهنگی در کانون توجه دولتمردان یک کشور می‌تواند در عدم‌شناخت همواهل از میراث فرهنگی اثر بگذارد. اولویت قرار دادن برنامه‌های خود به موارث فرهنگی به شدت موجب تغییر نوع نگاه مردم و لزوم مراجعه و بهره‌مندی از آنها را فراهم می‌کند، مثلاً باید آشنایی با میراث فرهنگی و تاریخ و تمدن در برنامه‌های آموزشی کشور باشد. به طور مثال بخشی از دروس و کتاب‌های درسی باید به آشنایی با میراث فرهنگی بپردازد و حتی میراث فرهنگی آنقدر مهم است که می‌توان یک کتاب درسی با این عنوان به برنامه درسی دانش‌آموزان اضافه کرد و این نه فقط به صورت تئوری بلکه به طور میدانی جزو برنامه‌های مدارس باشد. همچنین ساخت برنامه‌های مستند تلویزیونی مرتبط و نمایش آثار تاریخی و موارث فرهنگی ملموس و غیرملموس در فیلم و سریال‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم باید جزو شروط تهیه‌کنندگان خصوصاً فیلم و سریال‌های خلاق قرار گیرد.

چگونه می‌توان خانواده‌های ایرانی را با موضوع میراث فرهنگی اعم از میراث ملموس یا ناملموس آشتی داد؟

در ادامه مسائل مطروحه به طور کلی هرگاه بتوانیم به گونه‌ای درست میراث فرهنگی خود را معرفی کنیم و برای تعامی اقشار در این محیط‌ها و موضوعات جذابیت ایجاد کنیم و بتوانیم خاطرسازی کنیم، مطمئناً توجه مردم هم به میراث بیشتر شده و در سبد هزینه و تفریح و نیاز خود خود، در محیط‌های میراثی را قرار خواهند داد. با تمامی مداوم و صحیح موارث از شبکه‌ها و رسانه‌های جمعی ملکه ذهن مخاطب می‌شود. مشارکت دادن مردم در حفظ آثار تاریخی می‌تواند خودش موجب ایجاد حس تعهد کند. توجه به ذی‌نفعان یعنی همان جوامع محلی اطراف اینبه و سایت‌های تاریخی و موارث فرهنگی و ایجاد رونق اقتصادی و بهبود کیفیت معیشتی آنها از دیگر روش‌های آشتی‌دادن مردم به موارث فرهنگی است چراکه متعهد به حفظ موارث فرهنگی شده و خودشان، به تبلیغ و معرفی به دیگر هموطنان کوشش می‌کنند.

نقش آموزشی میراث فرهنگی برای تربیت نسل‌ها چیست و موزه‌ها در این زمینه چه نقشی دارند؟

از مهم‌ترین وظیفه موزه‌ها بعد از حفاظت و نگهداری، آموزش و معرفی میراث فرهنگی است. اگر در سنین پایین کودکان و نوجوانان وجوان‌ان است، این موضوع فضا را برای قانل شوند، این امر در وجود آنها نهادینه شده و در بزرگسالی هم به آن توجه خواهند داشت و حتی در صورت دانش‌آموز بالا رفتن اعتمادبه‌نفس نسل جوان در حفظ و حراست از دانشنها و ساختن آینده بهتر کشور اثرگذار است.

حسین باریانی | یانا

از مهم‌ترین وظیفه موزه‌ها بعد از حفاظت و نگهداری، آموزش و معرفی میراث فرهنگی به نسل کودک و نوجوان وجوانان است. اگر در سنین پایین کودکان و نوجوانان نهادینه شده در ارزش قائل شوند، این امر در وجود آنها نهادینه شده و در بزرگسالی هم به آن توجه خواهند داشت

چرا پیوند سبک زندگی‌مان با میراث فرهنگی کمرنگ شده است؟

مرزبان هویت‌مان باشیم

حسین گل‌محمدی

وقتی اسم میراث فرهنگی به میان می‌آید، خیلی از ما تصاویری از بناهای مخروبه، قدیمی و بی‌روح به ذهن‌مان می‌آید یا شاید به گنج‌های زیر خاکی فکر کنیم. راستش را بخواهید اینها هم بخشی از میراث فرهنگی است، اما تصویری بسیار ساده و محدود از آن. میراث فرهنگی چنان گستره‌ای را در بر می‌گیرد که به جرئت می‌توانیم بگوییم اگر حذف شود، دیگر هیچ چیزی برای ما باقی نمی‌ماند. در واقع میراث فرهنگی به تمام آنچه از گذشته به جا مانده است گفته می‌شود که اگر اما فیزیکی نیست، بلکه همه آداب و رسوم، آیین‌ها و حتی مهارت‌های مانده از پیشینیان را شامل می‌شود. حال تصورش را بکنید تخت جمشید و نقش جهان و مسجد امام، اشیای تاریخی موزه ملی و تمام صنایع دستی کشورمان، عطر سنت کننده فرهسیزی و دیزی و نان‌های سنتی، نوروز و نعزیه و ندری بزان، فرهنگ دفاع مقدس و میراث شهدای انقلاب و جنگ، چشمه‌سارهای شگفت‌انگیز و جنگل‌های هیرکانی، آیین‌های احترام به بزرگان و فرهنگ پهلوانی، حضرت علی(ع) و سلمان فارسی، رستم دستان و تختی، حاج طیب و حاج همت هزاران نمونه دیگر را این دست را از ما بگیرند و در عوض تو چندصدمیلیونی بازدید چندروزه از پاساژها و رستوران‌های فلان شهرک خارجی، ولنتاین و هالووین، چند دست لباس برند خارجی، چند فیلم هالیوودی، مک دونالد و کنتاکی و یک مشت سلبریتی چشم‌آبی را جایگزین آن کنند!... آن بسته اولی همه چیز ما و همه هویت ماست و این بسته دومی همه چیز و همه هویت آنهایی است که می‌خواهند بدلیخات خود را به ما قالب کنند تا گنجینه جواهرات خود را نابود کنیم.

آری، دورشدن از هویت و پیشینه غنی ایرانی - اسلامی درد بزرگی است که متأسفانه به آن دچار شده‌ایم و سبک زندگی‌مان آماج پیشنهادهای مصنوعی بیگانگان شده است. فراموش کرده‌ایم که اصالت و حال خوب ما، اعتبار ملی و جهانی، فخر و غرور ما، گذشته و حتی وضعیت حال و تضمین آینده ما، همه و همه متصل به میراث فرهنگی ما‌ن است.

به تازگی پرونده کاروانسراهای تاریخی به‌دلیل سرزمین ایران ثبت جهانی شد و همچنین محوله‌ای از الواح مخاعنسی به کشورمان بازگشت. دو رویداد فرخنده‌ای که به ما یادآوری می‌کند قدر میراث فرهنگی‌مان را بیش از پیش بدانیم و هر یک در حد توان خود، مرزبان هویت ایرانی‌مان باشیم.

آقای محسن نصری، جامعه شناس:

خانواده‌ای که عظمت گذشته‌اش را بشناسد احساس اعتماد به نفس و آرامش می‌کند

میراث فرهنگی به نسل کودک و نوجوان و جوانان است. اگر در سنین پایین کودکان و نوجوانان برای میراث حضور ارزش قائل شوند، این امر در وجود آنها نهادینه شده و در بزرگسالی هم به آن توجه خواهند داشت و برعکس، کودک و نوجوانی که امروز به موزه نرود، فردا حافظ میراث فرهنگی کشور نخواهد بود، بنابراین جذب مخاطب کودک و دعوت از نسل جوان تر تضمینی برای آگاهی و احترام مردمان آن کشور در بزرگسالی به میراث خود خواهد شد. ایجاد واحد فعال و پویای کودک و نوجوان و استفاده از روش‌های جذاب و تجربه‌های موفق موزه‌های مطرح دنیا برای برگزاری برنامه‌های آموزشی و معرفی برای کودکان از وظایف مهم موزه‌هاست. همه موزه‌ها باید بخش مهمی از فعالیت‌های خود را متمرکز موضوع کودک و نوجوان کنند، حتی در صورت عدم‌توجه مدارس و خانواده‌ها به این امر مهم موزه‌ها خودشان باید برای ترغیب خانواده‌ها و مدارس برای بازدید تلاش کنند. ایجاد بازدیدهای هدفمند و روایت محور می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. همچنین ایجاد بستر مناسب برای کودکان در موزه‌ها یک سرمایه‌گذاری مطمئن برای نسل آینده است. نسلی که به واسطه شناخت گذشته آینده‌سازخواهند شد. تشویق کودکانی که به آموزش موارث ملموس و ناملموس به کمک خانواده‌ها می‌پردازند هم خیلی مهم است. مثلاً کودکان شاهنامه‌خوان در موزه‌ها موجب ایجاد حس گرایش دیگر کودکان به موارث فرهنگی خواهد شد.

بازدید از اماکن تاریخی و میراثی چه جایگاهی در سبد گردشگری خانواده‌های ایرانی دارد و برای ترمیم کاستی‌ها و ضعف‌های این بخش چه باید کرد؟

اخیراً امار بازدید از موزه‌ها و سایت‌های تاریخی رو به افزایش است اما تا نقطه ایده‌آل فاصله دارد. همه ما به وضوح این موضوع را در اطرافیان خود می‌توانیم لمس کنیم که رفتن به شهربازی، سینما و پارک، رستوران و مکان‌های تفریحی طرفدار بیشتری دارد، چون برای خانواده‌ها جذاب‌تر و سرگرم‌کننده‌تر است و همچنین تبلیغات بیشتر، استفاده از روش‌های نوین در معرفی اماکن و تسهیل شرایط دسترس‌پذیرتر از دیگر مواردی است که می‌تواند به استقبال مردم کمک کند. انجام برنامه‌های متنوع فرهنگی، هنری، اجتماعی و برگزاری کلاس‌های درس در موزه، معرفی درست، اصولی و مداوم، توجه دولت‌ها و بسیاری روش‌های دیگر موجب توجه خانواده‌ها به میراث خواهد شد. در سریال‌های ترکیه‌ای دیده‌ایم که نماهایی از بناهای تاریخی به طور مداوم در میان سریال تکرار می‌شود. این تعمدی است. ساخت محصولات فرهنگی با استفاده از عناصر میراث فرهنگی به عنوان هدیه و یادگاری بسیار روانج دارد که به تازگی در ایران هم دیده می‌شود. تعلم شرکت‌های خصوصی هدیه و بسته معرفی خود را بر پایه میراث فرهنگی تهیه می‌کنند، مثلاً در کرسی در فرانسه سرکلیدی برج ایفل را در بسته هدیه خود قرار می‌دهد. معرفی مفاخر فرهنگ و هنر و ادبیات بسیار در جذب مردم به میراث خصوصاً ناملموس کمک می‌کند. چرا نباید پدر خانواده دقایقی از هفته را با خواندن داستان‌های شاهنامه یا فرزندانش صرف نکند و به جای آن پلی‌استیشن بازی کند، چون ابزار معرفی هنر، ادبیات و فرهنگ در ایران با شیوه روز دنیا پیش نرفته و قابل رقابت نیست. امروزه در تمام دنیا از روش‌های نوینی استفاده می‌کنند که اگر در معرفی میراث فرهنگی استفاده شود، بسیار کمک‌رسان است. پخش اینبه جذاب است اما برنامه‌های کودک مزین به داستان شاهنامه آنقدر طراحی گرافیکی ابتدایی دارند که کودک امروز در مقایسه با سایر برنامه‌ها از انتخاب آن صرف‌نظر می‌کند. شخصیت‌پردازی‌ها در رویانگری برنامه‌ها باید اسطوره‌های ادب، هنر و فرهنگ ایرانی را طوری جذاب معرفی کنند که شخصیت‌های خیالی کشورهای دیگر مثل بتمن و اسپایدر من اسطوره کودکان نباشند. آیا آرش کمانگیر و سیاوش نمی‌توانند جای این شخصیت‌های بیگانه را بگیرند؟! چرا نباید برخی دروس مدارس و دانشگاه‌ها در موزه‌ها و سایت‌های تاریخی باشد؟

وسخن با پیشنهاد پایانی.

تشویق و مشارکت بخش خصوصی در معرفی میراث فرهنگی با استفاده از ابزارهای میراثی، می‌تواند یک منبع درآمدزا باشد تا علاوه بر کارآفرینی موجب توسعه موارث فرهنگی شود. تولید لباس و پوشاک با استفاده از نمادها و طرح‌های فرهنگی- هنری و میراثی به عنوان ابزار معرفی موارث فرهنگی ملموس و غیرملموس می‌تواند تبدیل به یک سامانه جمعی شود، مثلاً طرح کاشی‌های کاخ گلستان روی لباس بانوان خودش یک رسانه فرهنگی است. در حالی که کارگاه‌ها، رستوران‌ها، اماکن تفریحی بهترین زیرساخت گردشگری را دارند اما هنوز هم در بسیاری از اماکن فرهنگی- تاریخی زیرساخت‌های مناسب گردشگری از جمله سرویس‌های بهداشتی، نمازخانه، کافه و غرفه‌های مناسب پذیرایی وجود ندارد، هر چند اخیراً توجه ویژه‌ای به آن شده است اما هنوز جای کار دارد. مناسب‌سازی برای افراد با نیازهای خاص و توان بایان، مثل نابینایان و ناشنوایان باید در برنامه موزه‌ها قرار گیرد. انجام اقدامات خلاقانه از سوی موزه برای جذب مخاطب و تشویق از سوی دولت بسیار کارساز است.

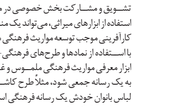

خانواده‌ها باید با عظمت میراث فرهنگی و با تاریخ و ویژگی‌های ارزشمند آن آشنا شوند. اگر مردم بدانند ساخت یک اثر تاریخی با وجود دانش و انرژی امروز چقدر زحمت و هزینه دارد قطعاً آن حفاظت می‌کنند. وقتی بدانند چقدر از مردم سراسر دنیا به عنوان گردشگر می‌آیند تا آینده تاریخ، هویت و تاریخ ایران و هنر ایرانی را مشاهده کنند، آن وقت در حفظ آن تلاش می‌کنند

دکتر رضا سامه، مدیر کل امور پایگاه‌های میراث ملی و جهانی:

خانواده‌ها نقش محوری در انس نسل جوان با آیین‌ها و سنت‌ها دارند

میراث فرهنگی بر امر انسانی استوار بوده و ارزش‌های قدمت (دیرینگی)، نذرت (یگانگی) و اصالت (یکپارچگی) را دنبال می‌کند. بازتاب توأمان این سه شاخصه مهم، ارزشمندی و اهمیت فرهنگی آثاری را نشان می‌دهند که در یک گاه زمانی و مکانی مبیتنی بر یک باور انسانی به وجود آمده‌اند و حالات و روحیات پیشینیان زیسته در این سرزمین را روایت می‌کنند.

مؤلفه‌های سازنده هویت هر ملتی، مبیتنی بر همین سه اصل بوده است و حکایت از درک عمیق این همانی یک فرد با بسترهای فرهنگی و اجتماعی خویش دارد. اساساً میراث فرهنگی، اینه تمامنمای هویت فرهنگی هر جامعه‌ای است و به تثبیت ریشه‌ها و تداوم آن در خاستگاه مربوط می‌انجامد.

خاطرات و تجربیات غنی زیستی در بسترهای تاریخی از یک سو و تفاوت‌های برجسته آن با شباهت بیچیده متأثر از اقتضائات زندگی معاصر از سوی دیگر، موجب عدم‌انطباق سطح انتظارات و قابلیت‌های میراث فرهنگی با ضرورت‌های امروزین شده است؛ از همین رو، اقبال عمومی مردم برای برون‌رفت از اژخنگی به سوی تجربه متفاوت فرهنگی است. به بیان دیگر، درک تفاوت‌های فرهنگی از طریق تجربه مظاهر آن، می‌تواند یکی از روش‌های فهم عمیق‌تر مناسبات فرهنگی خویش باشد. در این میان هر چند برای هدایت هدفمند و انس نسل جوان‌تر با میراث ناملموس، خانواده‌ها نقش بسزایی دارند، اما بیشتر از آنکه مخاطب نهاد آموزش، صرفاً کودکان و نوجوانان باشند، لازم است برای کلیت خانواده‌ها برنامه‌ریزی کرد. خوشبختانه زندگی در فرهنگ ایرانی آمیخته با آداب و سنت‌هایی است که در بطن جامعه ما نهادینه شده‌اند.

چیزی که شاید در شرایط کنونی به فراموشی گرایید، عدم‌شناخت صحیح از مبناهای فرهنگی در خانواده‌ها و اصرار بر ترویج متولی فرهنگی است، به ویژه هنگامی که انگیزه‌های کلیشه‌ای از ترویج این رفتارها، یکجانبه نقش محوری می‌یابند. به نظر می‌رسد باید در وهله نخست زمینه تحقق میراث ناملموس را در بستر میراث ملموس با درجه انطباق حداکثری فراهم آورد و به تجربه پیوسته و معنی‌دار آن را فراگیر کرد. آنگاه از طریق رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما، بازخوردهای شایسته آن را به خانواده‌ها انتقال داد و این اهتمام را به استمرار کشید.

بدیهی است جامعه عاری از احساس قرابت با میراث فرهنگی، جامعه‌ای بیگانه از خویش خواهد بود و رکن تربیتی و آموزش در این حوزه، منوجه نهاد عمومی است.

***دکترای معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه**

وحید خادمی | ایرنا

سعید محمودی ازناوه، کارشناس حفاظت و مرمت آثار تاریخی:

خانواده‌های ایرانی در بستر میراث ملموس و ناملموس به دنیا می‌آیند و با آن نفس می‌کشند

به اعتقاد یک کارشناس حفاظت و مرمت آثار تاریخی خانواده‌های ایرانی در بستر میراث فرهنگی ملموس و ناملموس به دنیا می‌آیند و با آن نفس می‌کشند و پرورش پیدا می‌کنند. وی می‌گوید: گستردگی آثار تاریخی، طبیعی، صنایع دستی و نیز اینبها و مراسم ما به قدری است که مهم‌ترین امر در یادآوری و آموزش به خانواده ایرانی است.

ازناوه در پاسخ به این پرسش که برای ترمیم کاستی‌ها و ضعف‌ها جهت استقبال و بازدید از اماکن تاریخی و میراثی در سبد گردشگری خانواده‌های ایرانی چه اقداماتی باید صورت گیرد، می‌گوید: اهمیت به جایگاه مهیتی خانواده‌ها در روند ترمیمی و رو به رشد، همگام با موارد آموزشی و تربیتی ذکرشده می‌تواند به مرور تفکر بازدید از اماکن تاریخی و میراثی را به همراه داشته باشد.

این کارشناس میراث فرهنگی درباره شیوه برگردن خلأ «میراث فرهنگی» در محصولات آموزشی، ادبی، فرهنگی و هنری تولید به «جوان» می‌گوید: این خلأ یکبار ایجاد نشده و تنها طی زمان و همگام با شرایط اجتماعی و فرهنگی قابل ترمیم است. نسل جوان ما هوشمند و آگاه از شرایط جهانی می‌توانند راه خود را به سوی آینده پیش برانند و جامعه دانشگاهی ما نقش بسیار مهمی در این روند رو به رشد دارند. ارجاع به نقش‌آفرینی تمدن ایران به عنوان اولین تمدن جهانی با استناد به منابع تاریخی از طریق برگزاری سمینارهای داخلی و بین‌المللی همگام با ایجاد واحدهای درسی عمومی مرتبط در رشته‌های تحصیلی و نیز برگزاری جشنواره‌های تخصصی داخلی و بین‌المللی در وزارتخانه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دیگر دستگاه‌های مرتبط، این روند را تسریع و تسهیل می‌کند.

به اعتقاد وی، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری طی سال‌های گذشته تسهیلاتی خارج برای استفاده بهتر خانواده‌ها از بناهای تاریخی، موزه‌ها و کاخ‌موزه‌ها در نظر گرفته است که با برنامه‌ریزی، این روند قابل تحول و دگرگونی است.

طبق گفته‌های ازناوه، استفاده از تجارب داخلی و بین‌المللی به ویژه از سوی بخش خصوصی در راستای معرفی اماکن و تسهیل در شرایط و امکانات سفر به این مکان‌ها ضروری است.

این کارشناس حفاظت و مرمت آثار تاریخی در پایان خاطر نشان می‌کند: برخورد غیرسلیقه‌ای و علمی همگام با تداوم استفاده از نیروی متخصص و دانشگاهی در روند اجرایی موارد یادشده، نتیجه‌ای سریع‌تر و مناسب‌تر به همراه خواهد داشت.

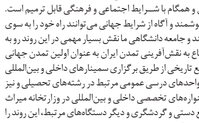

خانواده‌های ایرانی در بستر میراث فرهنگی ملموس و ناملموس به دنیا می‌آیند، با آن نفس می‌کشند و پرورش پیدا می‌کنند. گستردگی آثار تاریخی، طبیعی، صنایع دستی و نیز آیین‌ها و مراسم ما به قدری است که مهم‌ترین امر در یادآوری و آموزش به خانواده ایرانی است

مرتضی خاکسار، کارشناس ارشد اقتصاد گردشگری:

فرزندان را به ولایت آبا و اجدادی ببرید تا ریشه‌های خود را فراموش نکنند

خاکسار درباره راهکارهای این مسئله اظهار می‌دارد: «از دوره ابتدایی درس گردشگری باید آموزش داده شود و صدا و سیما نیز به کمک، وزارت گردشگری جاذبه‌های تاریخی ایران را معرفی کند. گردشگری تاریخی می‌تواند تأثیرات مثبتی روی نسل مخاطبان کودک و نوجوان داشته باشد. در قدیم در دروس عمومی مثل کتاب فارسی، شهرهای مختلف ایران معرفی می‌شد، اما الان از رویکرد معرفی آب و خاک و ممالکت و ذخایر فرهنگی ایران دور شده‌ایم. البته تا نظام آموزشی ما درست شود شاید سال‌ها طول بکشد، بنابراین خانواده‌ها باید احساس تکلیف کنند و فرزندان خود را با میراث فرهنگی و آداب و آیین ایرانی آشنا کنند. همه قومیت‌های که در تهران جمع شده‌اند، ریشه در پیشینه شهرشان دارند. در یکی از مدارس گیلان برنامه جالبی را دیدم. اینها به طور رسمی در پایه ابتدایی، فرهنگ گیلانی را آموزش می‌دادند. لباس گیلانی پوشیده بودند، گیلانی صحبت می‌کردند و جاذبه‌های شهرشان را آموزش می‌دادند. این اتفاق می‌تواند ایجاد انگیزه و جاذبه کند. یک دانش‌آموز باید جنگ‌های تاریخ ایران را بشناسد، شهرهای مذهبی و گویش‌های مختلف را بشناسد. بعضی خانواده‌ها حتی اگر در تهران هم باشند، زبان محلی خودشان را به فرزندانشان یاد می‌دهند، به زادگاهشان زیاد سر می‌زنند و با خانواده‌های همشهری خود زیاد رفت و آمد می‌کنند. اعتقادشان این است که فرزندانشان با سر زدن به ولایت آبا و اجدادی و ریشه‌های خود، فراموش نمی‌کنند. مواردی مثل سنت‌ها، غذاها، آداب و رسوم محلی اگر از طریق رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شوند طبیعتاً اثرگذار خواهد بود.»

این کارشناس ارشد با اعتقاد به اینکه هر قدر در زمینه فرهنگ سرمایه‌گذاری بیشتری کنیم، برد بیشتری در حفظ اصالت ایرانی خواهیم داشت، می‌گوید: «هجرا سنگاپور بالاترین نرخ گردشگری را در ۲۰ سال گذشته داشته است، دستش نمی‌خورد تمدن است و میزان درآمدهای مالی بالایی دارد، میزان جرم و جنایت پایین و از نظر سیاسی و اجتماعی جزو کشورهای مطرح است؛ زیرا روی فرهنگ خانواده و جامعه‌اش کار کرده است. اگر هر خانواده‌ای فرزندانش را با اصالت خود و گذشته‌اش آشنا کند، آن فرزند اگر برای تحصیل به کشور دیگری برود به وطن باز خواهد گشت. چون ریشه‌هایش در ایران است. باید روی نسل فعلی از همین امروز سرمایه‌گذاری کرد. باید به خانواده‌ها آموزش داد اگر می‌خواهید فرزند شما در آینده در جامعه حرفی برای گفتن داشته باشد، ریشه‌ها و اصالت او در فرهنگ خانوادگی و اجتماعی‌اش را تقویت و حفظ کنید. چنین فردی می‌تواند در جامعه اثرگذار باشد. ما محصول برای شخصیت‌های خارجی داریم ولی برای رستوم و اسفندیار نداریم و برایشان کارتون ساخته‌ایم. ۵ لاورمزان و زنان ایرانی را معرفی نکرده‌ایم، به همین دلیل در تربیت فرزندانمان دچار بحران و تنش هستیم و آنها میل به انتخاب لباس، لوازم‌التحریر و کارتون‌های خارجی دارند.»

این اسناد دانشگاه درباره شیوه‌های ایجاد جذابیت برای گرایش به میراث فرهنگی ایران بیان می‌کند: «خانه‌های کتاب، کتابخانه‌های عمومی، نمایش‌های خیالی، سمینارهای فکری، ادبی و هنری برای خانواده‌ها و بچه‌ها، تئاترهای کوتاه در فضاهای گردشگری بسیار مؤثر است. آموزش را می‌توان در هنگام بازی به بچه‌ها آراله داد. با قصه‌ی از سربال‌های ایرانی یا کارتون می‌توان نشان شهرهای مختلف ایران و آداب ایرانی را به نمایش گذاشت. برگزاری مسابقات ایران‌شناسی و آموزش ایران‌شناسی را نیز می‌توان در فضای مناسب تحت آموزش داشت.»

وی می‌افزاید: «به عینه دیده‌ام بچه‌هایی که آموزش دیده‌اند، بدران و مادران روشنی دارند در خرد محصولات فرهنگی ترجیح‌شان محتواهای ایرانی است و داوطلبانه می‌خواهند از کشور خودشان تجربه کنند. یک بچه پنج ساله امروزی ایما یا کودک ۳۰ تا ۶۰ یا ۷۰ سال پیش قابل مقایسه نیست و مطمئناً محتواهای فرهنگی تو نری را پایه‌ده آنها متنقل کرد. به نظر من اگر بسترهای مناسب فرهنگی، محخوصاً در زمینه شناخت ایران‌ها گلوها نام اوران، بناها و دانشمندان ایرانی به صورت قصه شده‌اند، ریشه در پیشینه شهرشان دارند. در یکی از مدارس گیلان برنامه جالبی را دیدم. اینها به طور رسمی در پایه ابتدایی، فرهنگ گیلانی را آموزش می‌دادند. لباس گیلانی پوشیده بودند، گیلانی صحبت می‌کردند و جاذبه‌های شهرشان را آموزش می‌دادند. این اتفاق می‌تواند ایجاد انگیزه و جاذبه کند. یک دانش‌آموز باید جنگ‌های تاریخ ایران را بشناسد، شهرهای مذهبی و گویش‌های محلی را بشناسد. بعضی خانواده‌ها حتی اگر در تهران هم باشند، زبان محلی خودشان را به فرزندانشان یاد می‌دهند، به زادگاهشان زیاد سر می‌زنند و با خانواده‌های همشهری خود زیاد رفت و آمد می‌کنند. اعتقادشان این است که فرزندانشان با سر زدن به ولایت آبا و اجدادی و ریشه‌های خود، فراموش نمی‌کنند. مواردی مثل سنت‌ها، غذاها، آداب و رسوم محلی اگر از طریق رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شوند طبیعتاً اثرگذار خواهد بود.»

بعضی خانواده‌ها حتی اگر در تهران هم باشند، زبان محلی خودشان را به فرزندانشان یاد می‌دهند، به زادگاهشان زیاد سر می‌زنند و با خانواده‌های همشهری خود زیاد رفت و آمد می‌کنند. اعتقادشان این است که فرزندانشان با سر زدن به ولایت آبا و اجدادی ریشه‌های خود را فراموش نمی‌کنند

مهدی وحیدی مسئول روابط عمومی میراث فرهنگی استان تهران:

قفل آشتی خانواده‌ها با اماکن تاریخی فرهنگی فقط با رفع کاستی‌ها باز می‌شود

میراث فرهنگی به آثار ارزشمندی گفته می‌شود که مربوط به فرهنگ هر ملت و از گذشتگان بالیمانده است. میراث فرهنگی می‌تواند حقیقت و اسرار ی از گذشته را برای نسل امروز مشخص کند و راهی را پیش رو مان قرار دهد که باعث موفقیت و گرفتن هویت و ارزش شود. همین تعاریف کافی است تا بدانیم آشتی با میراث فرهنگی چقدر مفید است و قهر و فاصله از آن چه آسیب‌هایی را خواهد داشت. نسل جوان باید ریشه‌های تاریخی و هویت بخش خود را بداند تا اگر به او بگوییم انجام این کار طبق فرهنگ و آیین ما ریشه در گذشته و اصالت ما دارد، قبول کند. بداند باید کنار این فرهنگ، روش زندگی، سبک زندگی و هنر مردم ایران بوده و از آن پاسداری کنند. اجازه ندهیم این فرهنگ قربانی تهاجم فرهنگی شود و این هویت از دست برود، چراکه ریشه تاریخی یا عظمتی دارد که نسل به نسل، سینه به سینه به دست ما رسیده است.

به طور مثال در موضوع حجاب، شاید دختران و زنان ما فکر کنند حجاب فقط در اسلام ۱۴۰۰ سال قبل پدید آمده است. در حالی که پیشینیان ما از هزاران سال پیش حجاب و پوشش و انتخاب کرده‌اند و در حقیقت این پدیده به عنوان یک میراث فرهنگی به ما رسیده است. این تنها مثالی از بین هزاران مورد بود که در آن تلاش می‌شود با هجمه به هویت خانواده‌ها در نهایت هویت یک ملت گرفته شود. در این باره «جوان» با دکتر محسن نصری جامعه‌شناس گفت‌وگویی داشته است که پیش رو دارید.

یکی از عناصر اصلی هویت و اصالت یک ملت میراث فرهنگی است. لطفاً شما در این باره بیشتر بگویید؟

هویت یعنی شناخت فرد. اینکه از کجا آمده و سابقه او چیست و چه عظمتی در قبل داشته است. هویت یک ملت را فرهنگ و تاریخ آن ملت می‌سازد. قطعاً میراث فرهنگی چون گذشته و تاریخ قبل و آثار پیشین یک ملت را معرفی می‌کند، به هویت‌بخشی یک ملت کمک می‌کند. به عنوان مثال تاریخ ایران ۷ هزار سال تمدن دارد و از قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیا محسوب می‌شود، اما کشور امریکا با این همه ادعا تنها ۵۰۰ سال تاریخ دارد و ۲۴۰ سال قبل حکومت پیدا کرده است. بنابراین آثار بالیمانده در ایران مثل شهر شوش، شهر سوخته در سیستان‌وبلوچستان، فرهنگ و هویتی ریشه‌دار است. ملتی که سابقه باعظمتی دارد، اگر به گذشته خود افتخار کند در ایستادگی، پایداری و سربلندی مردم مؤثر است. وقتی نسل جوان بداند اولین انیمیشن دنیا در شهر سوخته است که ۷ هزار سال قدمت دارد؛ احساس هویت، ارزشمندی و عظمت به او دست می‌دهد.

آشتی خانواده‌ها با میراث فرهنگی اعم از ملموس و غیرملموس چگونه اتفاق می‌افتد؟

تعریف و حرف از میراث فرهنگی باید در کتاب‌های درسی گنجانده شود که جای خالی آن احساس می‌شود. توجه به آن باعث می‌شود تا نسل جدید با خواندن آن بداند چه کشوری با تاریخ و با عظمت دارد و چه عظمت‌هایی را خلق کرده است که کمتر جایی دیده می‌شود. اگر او بداند حدود هزار سال پیش در دوران سلجوقیان، دانشگاهی در تمدن ایرانی ایجاد شده است و به نام نظامیه و ۷۰۰ سال بعد از تأسیس آن نظامیه ایرانی، یعنی حدود ۳۰۰ سال قبل اولین دانشگاه اروپایی می‌شود؛ آکسفورد انگلیس که آن هم الگو گرفته از خواجه نظام‌الملک است، می‌تردید با آن احساس نشاط، افتخار و عظمت می‌کند. با این دانستنی‌ها، جوان امروز گرفتار فرهنگ منحط غربی می‌شود، زیرا می‌داند تاریخش آنقدر عظمت دارد که اروپایی‌ها ۷ هزار سال بعد از ما باید فرهنگ و آثار ارزشمندی گفته می‌شود که مربوط به فرهنگ هر ملت و از گذشتگان بالیمانده است. میراث فرهنگی می‌تواند حقیقت و اسراری از گذشته را برای نسل امروز مشخص کند و راهی را پیش رو مان قرار دهد که باعث موفقیت و گرفتن هویت و ارزش شود. همین تعاریف کافی است تا بدانیم آشتی با میراث فرهنگی چقدر مفید است و قهر و فاصله از آن چه آسیب‌هایی را خواهد داشت. نسل جوان باید ریشه‌های تاریخی و هویت بخش خود را بداند تا اگر به او بگوییم انجام این کار طبق فرهنگ و آیین ما ریشه در گذشته و اصالت ما دارد، قبول کند. بداند باید کنار این فرهنگ، روش زندگی، سبک زندگی و هنر مردم ایران بوده و از آن پاس